

دانلود مقاله مأخذ شریعت ناظر در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران

جهت مشاهده [دانلود مقاله مأخذ شریعت ناظر در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران](#) به پایین همین صفحه

مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 22 صفحه



۶۷ پیاپی / اول شماره / دهمجه سال

۱۱۶ ش

مقدمه

در نظامهای تقنینی مختلف در عصر کنونی، طرق و روشهای گوناگونی برای نظارت بر قانونگذاری و وضع مقررات، پیشبینی شده است. این تعدد و گوناگونی طرق نظارت، ناشی از وجود دیدگاههای متفاوت در مشروعیت نظامها میباشد.

ازاین رو، نظامهای سیاسی، از جهات مختلف قابل بررسی و تتبع میباشد.

نظامهای سیاسی از یک جهت دو قسم میباشد. در بعضی نظامها مشروعیت فقط از آرای عمومی نشأت میگیرد (هدایتینیا و کاویانی، ۱۳۸۰، ص. ۹۵) اینگونه از نظامها، نظام دموکراتیک نامیده میشوند که پایه قانونگذاری آنها تنها مبتنی بر آرای عمومی است. عموم کشورهای غربی نظام تقنینی خود را بر این مدار، بنا نهادهاند و ذیل قالب قاعده سلسله مراتب قواعد حقوقی، صرفاً قوانین عادی مجالس خود را ملزم به عدم مغایرت با آنها هنجار برتر خود؛ یعنی قانون اساسی دانستهاند. اما در مقابل این دسته از نظامهای سکولار، نظامهای مکتبی جای دارند. در جوامع مکتبی، مردم با پذیرش آزادانه مکتب، در حقیقت اعلام میکنند که میخواهند همه چیز خود را بر اساس آن مکتب، پایهریزی کنند (همان، ص. ۹۵) به عبارت دیگر، علاوه بر قانون اساسی، هنجار برتر دیگری نیز در آن نظام تقنینی به رسمیت شناخته می شود. از جمله مکاتب موجود در نظامهای سیاسی جهان، میتوان به مکتب اسلام اشاره داشت. از آنجایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بهدنبال پیریزی نظامی مکتبی است، اصول متعددی از آن بیانگر حاکمیت دینی میباشد (جوان آراسته، ۱۳۷۲، ص. ۷۲) اصول اول و دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران را یک نظام مکتبی تبیین و معرفی نموده است. در نخستین جمله از اصل اول قانون اساسی، مکتب اسلام به عنوان مکتب مقبول مردم ایران دانسته شده و در اصل دوم قانون اساسی، به پایهریزی و تبیین میانی این مکتب پرداخته شده است. ازاینرو، در اصل چهارم قانون اساسی که منبعث از اصل دوم قانون اساسی

میباشد، آمده است: در جمهوری اسلامی ایران، کلیه قوانین و مقررات، باید بر اساس موازین اسلامی و شریعت مقدس اسلام باشد. ضمانت اجرایی

رعایت نمودن نظارت اسلام بر کلیه قوانین و مقررات نیز در ذیل اصل چهارم قانون اساسی، به عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده است. برای تبیین جزئیات این نظارت از سوی فقهای محترم شورای نگهبان، اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی وضع گردیده است. در اصول متعدد قانون اساسی؛ از جمله اصل چهارم، اصل نود و یکم، اصل نود و چهارم و اصل نود و ششم، به چگونگی رعایت نمودن شرع، بر قوانین موضوعه در نظام تقنینی اسلامی ایران اشاره شده است که در همین راستا از دو اصطلاح «احکام اسلامی» و «موازین اسلامی» استفاده شده است. در واقع، قانون اساسی چگونگی لزوم ابتدای قوانین و مقررات را بر مدار موازین اسلامی و احکام اسلامی تنظیم نموده است. به عبارت دیگر، به موجب اصول فوق، موازین اسلامی و احکام اسلامی، مانع مآخذ و منبع ناظر بر قوانین و مقررات در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران می باشد. برخی از نویسندگان، این دو اصطلاح موجود در قانون اساسی را ناسخ و منسوخ یکدیگر تلقی نموده اند و - در تفاوت این دو اصطلاح - اظهار داشته اند که باید اصل چهارم را مفسر و ملاک قرار داد؛ به ویژه که در اصل نود و چهارم، همین

احتمالاً تعبیر و به شکلی کلیتر آمده است (مرتضوی، ۱۳۸۵، ص. ۴۹) اما این نوع نگاه به قانون اساسی قابل نقد و انتقاد است. در ابتدا باید هر دو واژه را به تفکیک تشریح و تحلیل نمود، سپس حکم به تخصیص یا تعارض در عبارات فوق داد.

لذا سؤال اصلی این نوشتار این است که مآخذ شریعت ناظر در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

آیا این مآخذ همان موازین اسلامی است و یا آنکه تنها شامل احکام اسلامی می باشد؟ آیا استفاده از این دو اصطلاح متفاوت، بیانگر تعارض و یا تضاد در اصول فوق می باشد و منبع شرعی ناظری که در اصول چهارم، نود و یکم، نود و چهارم و نود و ششم بیان شده معارض با یکدیگر بوده و سبب ورود خدشهای به قانون اساسی است؟ به عبارت دیگر، آیا مفهوم موازین اسلامی، متفاوت و یا کلیتر از مفهوم احکام اسلامی است؟

ما در این نوشتار با این پیشفرض اصول فوق، متعارض و متضاد با هم نمیباشند و دو اصطلاح موازین اسلامی و احکام اسلامی متباین نیستند و استفاده از این دو عبارت 平 به

متولیدرویش میثم و پروین خیرالله / ایران اسلامی جمهوری یتقنین نظام در ناظر شریعت مآخذ

۱۱۷ ش

۶۷ پیاپی / اول شماره / دهمجه سال

۱۱۸ ش

ظاهر متفاوت، نشانه فراست خبرگان مجلس تدوین قانون اساسی می باشد، با استفاده از روش اکتشافی و تحلیلی در مقام اثبات فرضیه اشتراك معنوي عبارات احکام اسلامی و موازین اسلامی به عنوان مآخذ واحد - که توأمان یک هدف؛ یعنی حکومت شرع بر قوانین و مقررات در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران را در پی دارد - میباشیم.

مبحثا و 平: موازین اسلامی

عبارت «موازن اسلامی» در چهارده اصل از اصول قانون اساسی به کار رفته است. ۱.

اصل چهارم و اصل نود و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصولی میباشند که از اصطلاح موازن اسلامی بهره برده‌اند. در اصول فوق آمده است که کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازن اسلامی باشد. در واقع، این اصول، مؤید نقش موازن اسلامی به عنوان مأخذی ناظر بر قوانین و مقررات حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. اصطلاح موازن اسلامی، مرکب از دو لفظ موازن و اسلام است. عموم لغتشناسان و برخی از حقوقدانان، موازن را جمع میزان بهمعنای ترازو، اندازه، مقدار و... بیان نموده‌اند (معین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶،

ص ۹۱۱؛ سعیدیپور، ۱۳۷۲، ص. ۷۶۶) از سویی دیگر، لغتشناسان و اصولیین، تعاریف متعددی را از لفظ اسلام و معنای آن داشته‌اند که همگی دلالت بر معنایی واحد دارد. از جمله تعاریفی که در خصوص لفظ اسلام آورده شده این است که گفته‌اند کلمه اسلام بهمعنای تسلیمشدن یا فرمانبردن یا همان دینی است که محمد بن عبدالله ۹ آورد

(معین، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸۸؛ سعیدیپور، ۱۳۷۲، ص. ۹۳) لکن نمی توان تعاریف ارائهشده را جامع و مانع برای فهم معنای عبارت «موازن اسلامی» دانست؛ چرا که هر چند در عبارت حاضر، لفظ موازن، مقید به اسلام است، اما نمیتوان به صورت مجزا و مستقل، هر لفظ را معنا نمود و سپس از جمع آن دو معنای مستقل، معنای عبارت موازن اسلامی را استنباط نمود. فقها و حقوقدانان نیز به دفعات از این اصطلاح بهره برده‌اند. از جمله کتابهای معتبر فقهی که از این لفظ بهره گرفته‌اند کتاب «من لایحضره الفقیه» مرحوم شیخ صدوق میباشد که در جلد چهارم، حدیثی از امام جعفر صادق ۷ در خصوص تقسیم

چهارگانه قضاوت از سوی حضرت میباشد که ایشان درباره دسته سوم نوشته‌اند: «سوم مردی (قاضی) که حکم به حق و راستی میکند، ولی خود نمیداند که چه کرده است؛ یعنی طبق موازن اسلامی حکم نکرده...» (شیخ صدوق، ۱۳۷۵ق، ص. ۵-۶)

همچنین در «استفتائات» حضرت امام: ۱ جلد یک، صفحه ۴۹۰ (راهنمایی نامحرم)؛

جلد دو، صفحه ۵۰۳ (صدق محاسن)؛ جلد دو، صفحه ۵۹۶ (اطاعت فرزند از والدین)

و همچنین در «توضیحالمسائل»، صفحه ۷۷۷ (راهنمایی نامحرم) و کتاب «ولایت فقیه»،

صفحه ۸۱ (خداوند حکام جور و هر حکومتی را که برخلاف موازن اسلامی رفتار کند، بازخواست میکند...) از لفظ موازن اسلامی استفاده شده است. ۲. اما همانطور که گفته شد، علیرغم استفاده کثیر از این واژه در کتب فقهی، تعریفی از این اصطلاح در کتب حاضر، مشاهده نمیشود. ۳.

در نگاه اولیه شاید بتوان گفت که عبارت موازن اسلامی، مطلق بوده و عموم لفظ اسلام را شامل میشود. به عبارت دیگر، دامنه شمول موازن اسلام، برابر با دایره علوم اسلامی میباشد؛ یعنی آنچه را که در تعلیمات اسلامی میگنجد، موازن اسلامی بدانیم.

شهید مطهری؛ در جلد دوم کتاب «کلیات علوم اسلامی»، اشاره‌ای به بخشها و ابعاد مختلف اسلام داشته‌اند. ایشان در این زمینه میفرمایند:

علمای اسلامی میگویند: مجموع تعلیمات اسلامی سه بخش است:

الف) بخش عقاید؛ یعنی مسائل و معارفی که باید آنها را شناخت و بدانها معتقد بود و ایمان آورد؛ مانند مسأله توحید و صفات ذات باریتعالی.

ب) بخش اخلاق؛ یعنی مسائلی و دستورهایی که دربارهٔ چگونهبودن انسان از نظر صفات روحی و خصلتهای معنوی است؛ از قبیل عدالت و تقوا... .

ج) بخش احکام؛ یعنی مسائل مربوط به کار و عمل که چه کارهایی و چگونه باید انجام شود؛ از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد، امر بهمعروف و نهی

مطهری، از منکر ... ۱۳۷۸) «، ص. ۱۳-۱۴

بنابراین، در یک نگاه کلی، فقها و اصولیون، لفظ اسلام را اعم از عقاید، اخلاق و احکام میدانند و موارد فوقالذکر را از توابع اسلام برمیشمرند. لذا از تعاریف فوق

متولیدرویش میثم و پروین خیرالله / ایران اسلامی جمهوری یتقنین نظام در ناظر شریعت مأخذ

۱۱۹ ش

۶۷ پیاپی / اول شماره / دهمجه سال

۱۲۰ ش

میتوان چنین استنباط نمود که عبارت موازین اسلامی، یک عبارتتکلی و جامع میباشد که همه اقسام اسلام (عقاید، اخلاق، احکام) را شامل میشود و معنایی عام و مطلق از شقوق مختلف ابواب مختلف دین اسلام را افاده میکند. در نتیجه، فقهای شورای نگهبان برای آنکه به وظیفه و صلاحیت خود که در اصل چهارم قانون اساسی آمده است عمل کنند، باید همه قوانین را از حیث تمامی شقوق اسلام (عقاید، اخلاق و احکام) مورد بررسی و تطبیق قرار دهند؛ در حالی که این فرض، علاوه بر تعارض با رویه عملی فقهای شورای نگهبان در این زمینه، قابلیت تحقق عملی نیز نخواهد داشت؛ چرا که اگر فقهای شورای نگهبان بخواهند هر قانون و یا مقرره‌های ۴ را با اخلاق و عقاید اسلامی نیز تطبیق دهند، نیازمند صرف زمانی زیاد و اطنابم^ل و مذاقهای بیحاصل در بعد عملی و در نهایت، موجب اخلال در امر قانونگذاری میگردد. لکن این برداشت از عبارت موازین اسلامی، نزدیک به صحت و صواب بهنظر نمیرسد.

در مقابل این برداشت، نظر و دیدگاهی دیگر وجود دارد که ایرادات وارده بر نظر اول را برطرف میسازد. دیدگاه دوم، یک دیدگاه اخص از دیدگاه اول است. بر اساس این نظر، موازین اسلامی، شامل عقاید و اخلاق اسلامی نمیشود و تنها شامل احکام اسلامی و آن دسته از اصول و قواعد فقهی میباشد که برای رسیدن به حکم شرعی لازم هستند. ازاین رو، در مجموع میتوان موازین اسلام را از این منظر، به احکام اسلامی، اصول عملیه، اصول لفظیه و قواعد فقهی تبیین و تشریح نمود. به عبارتی دیگر، معنای موازین اسلامی، اعم از احکام اسلامی است؛ زیرا قواعد کلی فقهی و اصول عقلیه و عملیه جزء موازین اسلامیانند، ولی احکام اسلام بر آنها صدق نمیکند

(عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ص(۴۰۲)؛ اما این برداشت نیز قابل نقض و خدشه میباشد.

اصولیین و فقها، تعاریف متعدد تقریباً همسانی از حکم شرعی ارائه نموده اند که در مبحث بعد به تفصیل، آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. لکناختصاراً اشاره میکنیم که حکم شرعی، همان قانون و مقرراتی

است که به وسیله شارح، مقرر شده و خطابات شرعی دارد و کاشف از حق و تکلیف است و نه خود آن (قافی و شریعتی،

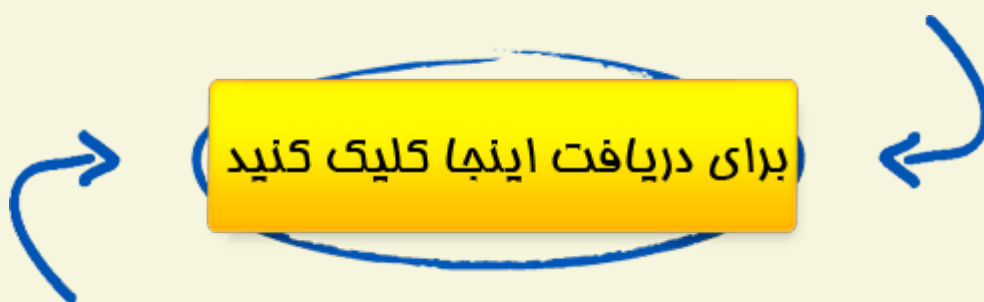
۱۳۸۶، ص. ۲۹) به عبارت دیگر، آنچه را که برای رسیدن به حکم، طریقت دارد، نظیر

قواعد فقهی (مثل قاعده لاضرر) در هنگام تطبیق با مسائل در قالب حکم بیان میشود.

لذا نباید قواعد فقهی و اصول عقلیه و عملیه را متمایز از احکام اسلامی بیان نمود و همگی آنها در مجموع، همان حکم شرعی قلمداد میگردند؛ همانگونه که تعاریف ارائهشده از جانب فقها در خصوص قواعد و اصول لفظی و عملیه نیز مؤید این مدعاست. در تعریف اصول لفظیه، آورده شده است که هر حکم ظاهری که مجرایش الفاظ باشد، اصول لفظیه نام دارد؛ مانند اصاله الاطلاق (ولایی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶) و در تعریف اصول عملیه نیز گفته شده است که اصول عملیه همان ادلهای میباشد که در ارتباط با استخراج حکم ظاهری است؛ مثل اصل برائت (همان، ص. ۱۰۱) لذا از جمیع تعاریف و استدلالات فوق این برداشت نیز راهی به صواب نمیآید.

علاوه بر دو دیدگاه پیشین، برداشت دیگری نیز از لفظ موازین اسلامی وجود دارد که خلأ و ایرادات نظرات فوق را برطرف ساخته و جامع و کامل بهنظر میرسد. دیدگاه سوم در حقیقت، برداشتی واحد و همسان از عبارات «موازین اسلامی» و «احکام اسلامی» دارد. در واقع، عبارت موازین اسلامی که در اصول متعدد قانون اساسی، به کار رفته است، همان احکام اسلامی میباشد که خود (در یکی از انواع تقسیمبندیها) به احکام اولیه و ثانویه و حکومتی تقسیم میگردد. ۵ نگارنده در استفتائی از مراجع عظام تقلید، سؤال فوق را مطرح نموده که برای تقریب به ذهن، عیناً سؤال و جواب نقل میگردد:

سؤال: مقصود و مفهوم واژه «موازین اسلامی» که در کتب متعدد فقهی و حتی در برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به کار رفته است، به چه معنا میباشد، آیا موازین اسلامی، هممعنا و یکی با احکام اسلامی است؟ و یا اینکه تمامی فروض و توابع اسلام؛ مانند اخلاق، عقاید و... را نیز در معنا و مفهوم خود شامل میشود؟



مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله بررسی و نقد نظریه های الزام سیاسی](#)
- [دانلود مقاله کارآمدی نظریه ولایت فقه در تأمین مصلحت عمومی](#)
- [دانلود مقاله ولایت فقه و قانونگرایی](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ایران](#)
- [گت بیبر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)

